



## فهرست

- ۲..... اشاره
- ۲..... نقش سپره در زندگی
- ۲..... ۱. نقش تربیتی و تحریکی
- ۳..... ۲. نقش تشریحی و استنباطی
- ۳..... فعل معصوم
- ۳..... دفع حرمت توسط فعل معصوم
- ۴..... دفع کراهت توسط فعل معصوم
- ۴..... اباحه با فعل معصوم قابل جمع است
- ۴..... استفاده ی رجحان از فعل معصوم
- ۵..... معانی عصمت
- ۵..... نتیجه



بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: اصول فقه / مباحث الفاظ / اوامر

### اشاره

در بحث اوامر گذشت که صیغه‌ها و قالب‌هایی که افاده‌ی وجوب و بعث می‌کنند علاوه بر دو شکلی که در اصول آمده بود هفت یا هشت نوع دیگرش توسط ما افزوده شد که افاده‌ی بعث می‌کنند.

در پایان این بحث رسیدیم به سیره و رفتار معصوم که آیا رفتار معصوم افاده‌ی بعث وجوب می‌کند یا خیر؟ این بحث در تضاعیف کلمات فقها و اصولیون مورد نظر قرار گرفته است اما مستقل و منقح کار نشده است؛ و پنج سؤال در جهت اصولی در رفتار معصومین وجود دارد که آن‌ها ذکر شد.

### نقش سیره در زندگی

در اینجا یک نکته باقی است و آن این که سیره و عمل کرد معصومین چندین نقش دارد:

#### ۱. نقش تربیتی و تحریکی

ما ممکن است آیاتی را در باب جهاد یا دیگر ابواب بخوانیم ولی وقتی این آیات را درباره جنگ بدر یا احد در سیره‌ی پیامبر می‌بینیم یک نوع دیگری نسبت به این‌ها برانگیخته می‌شویم در مثل امریه معروف و نهی از منکر تا عاشورا را نبینیم نمی‌فهمیم امریه معروف چیست و آن برانگیختگی در ما پیدا نمی‌شود؛ بنابراین سیره در رفتارهای خانوادگی و فردی و اجتماعی که ائمه و اصحاب داشتند یک نقش مهمی که دارد تأثیرگذاری تربیتی و اخلاقی در انسان‌ها است و انسان‌ها را به سمت آنچه از متون قولی و الفاظ آیات و روایات می‌فهمد، تحریک می‌کند این نقش در فقه الآن مورد بحثمان نیست. گرچه مهم است در برانگیخته شدن انسان‌ها به کارهای خوب یا بازداشتن از کارهای بد به آن پرداخته شود.

وقتی سیره را می‌بینیم و نقش آن را که دارای ارزش بزرگی است می‌یابیم؛ درک می‌کنیم که کار سیره در حقیقت تجسد همین تعالیمی است که در آیات و روایات آمده است. طبیعت بشر این است که وقتی این تجسد را جایی می‌بیند بیشتر در ذهنش از نظر آموزشی تثبیت می‌شود و از نظر انگیزشی بیشتر به دنبال آن حرکت می‌کند؛ بنابراین زمانی که سیره از معصوم باشد دو نقش آموزشی و تربیتی در زندگی بشر نمایان می‌شود:

۱. باعث تحریک انسان‌ها می‌شود و این یک نقش مهمی است که فعلاً محل بحث ما نیست.

۲. نوع مصداق کلیات را از نظر خارجی مشخص می‌کند. مثلاً آمده است که: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»<sup>۱</sup> در واقع ترغیب به نماز شده است و اجزا و شرایط آن گفته شده است؛ ولی در مقام عمل اینکه چگونه در عالم خارج محقق می‌شود مصداق را

<sup>۱</sup> بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۲، ص: ۲۷۹.



مشخص می‌کند و یک نوع آموزش از قواعد و چیزهای کلی است. پس نقش تمهیدی و آموزشی به لحاظ اینکه مصداق را مشخص بکند و در ذهن تثبیت بکند این نقش در صیغه‌ها وجود دارد و در جای خودش بحث می‌شود.

## ۲. نقش تشریحی و استنباطی

غیر از نقش آموزشی و تربیتی که سیره دارد و نقش مهمی هست. آیا سیره‌ها محل تشریح و منبع استنباط احکام شرعی می‌توانند باشند یا خیر؟ یعنی همان‌طور که اقوال یک منبع حقوقی و فقهی و تشریحی است، می‌تواند رفتارها و سیره‌های فردی و اجتماعی ائمه، جنبه‌ی تشریحی پیدا بکند و از آن بتوانیم احکامی به همان شکلی که از اقوال استفاده می‌شود استفاده بکنیم یا خیر؟ ما در اینجا در مورد سیره که آیا منبع فقهی و حقوقی می‌تواند باشد بحث می‌کنیم.

حال چون بحث به اینجا کشید ناچاریم چند جلسه در این مورد بحث بکنیم البته مرحوم شهید صدر در حلقه‌های مقدماتی به آن پرداخته است.

با توجه به این مسئله در دو بخش فعل و ترک وارد سیره می‌شویم؛ درباره ترک که مشکلات بیشتری دارد بعداً بحث می‌کنیم.

## فعل معصوم

در فعل چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

آیا از فعل می‌شود فراتر از اباحه؛ چیزی را استفاده کرد یا خیر؟

آیا این فعل مفید رجحان و بعث می‌تواند باشد یا نمی‌تواند؟

آنچه قطعی است آن است که فعل معصوم حرام نیست؛ چون معصومین ارتکاب حرام ندارند، فلذا افعال صادره از آنها (نفس فعل) اولین دلالت متیقننش این است که این فعل در رفتارها و زندگی‌شان حرام نیست. پس حرمت به خاطر عصمت از این دایره کنار می‌رود.

آیا فعل امام می‌تواند مکروه باشد یا نه؟ این هم برمی‌گردد به این که آیا معصوم کار مکروه را انجام می‌دهد یا نه؟

این بحث کلامی است و باید در جای خودش بحث شود؛ ارجاع می‌دهم به آنجا البته بعید نیست گفتن اینکه مکروه بالفعل را

معصوم انجام نمی‌دهد. گرچه بعضی آن را قبول ندارند که باید دید عصمت معنایش ترک مکروه است یا نه؟

## دفع حرمت توسط فعل معصوم

برای اینکه بگوییم این فعل حرام نیست دو مقدمه لازم است:

عصمت معصوم از گناه به‌طور عمد.

اینکه معصوم خطای در موضوعات هم نمی‌کند.

اگر این دو را ثابت کردیم می‌شود گفت فعل او حرام نیست؛ یعنی فعل او دال بر حرام نیست زمانی می‌شود چنین گفت که

دو چیز ثابت شود: یکی عصمت از گناه و دیگری عدم خطا و سهو و نسیان در موضوعات و الا اگر بگوییم که سهو و نسیان



در موضوعات بر معصوم جایز است؛ یعنی ممکن است یادش برود حتی نسبت به این که ظرف مثلاً نجس است سهو داشته باشد و آن را بخورد اگر این امر را جایز بدانیم می شود گفت که توجه نداشته و مرتکب این فعل شده است؛ به نظر می آید در باب عصمت جایز نیست. پس نفی حرمت متوقف بر دو مقدمه است:

اینکه معصوم گناه نمی کند.

اینکه در موضوعات اشتباه نمی کند.

## دفع کراهت توسط فعل معصوم

فعل معصوم مکروه بودن فعل را نفی می کند. علاوه بر دو مقدمه ی قبلی بیابیم دایره عصمت را توسعه بدهیم و بگوییم که عصمت از مکروهات هم هست که در این صورت دفع کراهت می کند و من این را بعید نمی دانم.

## قابل جمع بودن اباحه با فعل معصوم

آیا این فعل با اباحه قابل جمع است یا نه؟ این زمانی است که ما قائل باشیم به اینکه آیا مقام عصمت همیشه اولی ها را انجام می دهد و در همه ی موقعیت ها یک اولویت وجود دارد؟ فعل او بالاتر از اباحه را می رساند به این معناست که در همه ی موقعیت ها یک طرف ولو با عناوین ثانویه اولویت پیدا می کند و معصوم هم اولی را ترک نمی کند. اگر این دو مقدمه را هم اضافه کنیم؛ آن وقت اباحه را هم نفی می کند؛ که در این دو مقدمه ممکن است یکی را در بحث کلام قبول کنیم و بگوییم که معصوم اولی را ترک نمی کند؛ اما در مقدمه ی بعدی که همیشه موقعیت ها ولو با عناوین ثانویه ترجیح دارد محل کلام است. ممکن است موقعیت هایی باشد که واقعاً طرفین فعل و ترک حتی با ملاحظه ی عناوین ثانویه، اولی نباشد بلکه مساوی باشند. برای اینکه نفی کنیم باید این دو مقدمه را به آن ها بیفزاییم که مشکل پیش می آید چون همیشه فعل خارجی داری یک موقعیت است و بنا بر پذیرش این حرف دیگر مباح مطلق وجود ندارد و امام همیشه اولی را انجام می دهد این دو مقدمه محل خدشه است چون ذات فعل در خیلی موارد مباح مطلق است. درجایی که برای فعل مباح نیت تقرب می کند در این صورت برای هر فعلی یک طرف اولی وجود دارد ولی این با ذات مباح بودن فعل کاری ندارد بلکه نیت با فعل مباح قابل جمع است. جریاناتی مثل جریان عاشورا که از امام حسین علیه السلام این فعل صورت گرفت یا افعال امام صادق علیه السلام نشانگر این است که این فعل حرام نیست؛ و بعید نیست که بگوییم مکروه هم نیست؛ ولی با قطع نظر از نیت نمی توان گفت این فعل مباح نیست. پس با مباح بالمعنی الخاص جمع می شود.

## استفاده رجحان از فعل معصوم

آیا چون فعل معصوم با نفی حرمت و کراهت و اباحه ی بمعنی الخاص قابل جمع است می شود یک نوع رجحانی از آن استفاده کرد؟ و بالاتر از آن وجوب را استفاده کرد؟ این امر را از ذات فعل بماهو فعل نمی توان به دست آورد. اینکه پیامبر اکرم (ص)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را در دامن می گذاشت و می بوسید؛ یا در نماز طور دیگری رفتار می کرد. این نوع موارد حداکثر حرمت و کراهت را نفی می کند؛ و قدر متیقن آن ها اباحه ی بمعنی الخاص است؛ اما اینکه بگوییم مفید رجحان است باید قراین خاصه ای را پیدا کنیم. اگر کسی بگوید امام همیشه اولی را انجام می دهد آن وقت می تواند بگوید این فعل مفید رجحان



است. ولی این تام نیست چون انجام راجح یا ذات فعل ممکن است که مورد بحث باشد، نه رجحان از ناحیه‌ی نیت. فلذا چون قرینه‌ی دومش مخدوش است نمی‌توان گفت از آن رجحان را استفاده می‌کنیم.

## معانی عصمت

گاهی عصمت به معنی انجام واجب و ترک حرام و گاهی یعنی انجام واجب و ترک حرام منجز است و گاهی به معنی واجب و حرام واقعی است؛ یعنی به موضوعات هم توجه دارد و انجام نمی‌دهد و گاهی یعنی انجام مکروه نمی‌کند و گاهی هم همیشه راجح را انجام می‌دهد که ذاتش راجح است و گاهی اطرافش راجح است را انجام می‌دهد.

## نتیجه

بنابراین فعل ذاتش اباحه بالمعنی العام را می‌رساند و فراتر از این را نمی‌رساند و با وجوب و استحباب هم جمع می‌شود. اما از فعل، استحباب و وجوب را استفاده نمی‌کنیم؛ چون قرینه عامه و دلیل متقنی نداریم و این نیاز به دلایلی دارد که بعداً به آن می‌پردازیم.